

جستاری پیرامون انتساب دعای صباح به حضرت امیر علیه السلام با تحلیل سندی و نسخه‌شناختی آن

مریم حسین گلزار*

محمدحسن رستمی**

◀ چکیده

نخستین بار دعای صباح مشهور در *مفاتیح الجنان* را علی بن الحسین بن حسان بن الباقر قرشی الحلّی، زنده به سال ۶۵۳ یا ۶۵۵ق، در *اختیار المصباح* روایت کرد. یحیی بن قاسم العلوی در ۷۳۴ق به آن دست یافت. علی بن عبدالعالی کرکی نیز به درویش محمد اصفهانی، به سال ۹۳۵ یا ۹۳۹ق اجازه نقل دعا را داد. بررسی سند و تحلیل نسخه‌شناختی، هدف نوشتار حاضر است تا انتساب آن به علی علیه السلام را محک زند و معنای اصطلاح مشهور درباره دعا را دریابد. اصطلاح مشهور ظاهراً از باب عمل به احادیث من بلغ و قاعده تسامح در ادله سنن و شهرت عملیه بوده است. از جمله قراین انتساب دعا به علی علیه السلام، علو مضمون ذکر شده که صرفاً سبب «استحکام» و «احتمال» صدور است نه منتسب کردن دعا به امیر علیه السلام. ثبت نشدن دعا در عصر غلبه نگارش‌ها در *دعیه*، فاصله حیات نخستین راوی با عصر امام علیه السلام، طریق «وجاده»، فترت نقل، ثبت نشدن دعا در *دعیه* معاصر ابن الباقر، مقارنه نگارش دعا در زمان خلافت عثمان و رونق کتابت دعا در زمان صفویه و استفاده از عنصرهای لفظی ناکاربرد در متون قرن نخست هجری در دعای صباح از جمله دلایل تردید این انتساب از دوازده دلیل برشمرده این نوشتار است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** تردید انتساب، دعای صباح، علی علیه السلام سند، تحلیل نسخه‌شناختی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول / m.hgolzar@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد / rostami@um.ac.ir

۱. درآمد

از یک طرف، قرائت ادعیه مختلف و توجه به مضامین پرمحتوای آنها، ابزاری برای قرب و ارتباط با حضرت حق به شمار می‌آید؛ زیرا دعا کلید عطا، رسوخ حبّ الهی در دل، توشه سالکان، سیر شهودی و تنها رابطه انسان با خدای متعال است. (عاملی، ۱۳۶۶، ص ۹) بر این اساس، مفسران در تفسیر «فَإِذَا فَرَعْتَ فَإَنْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (انشرح: ۸۷)، رغبت به خواندن ادعیه را بعد از نمازهای یومیه توصیه کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۹۷۱م، ج ۲۰، ص ۳۱۸-۳۱۷)

استحباب قرائت دعای صبح نیز که در *مفاتیح الجنان* به عنوان ادعیه‌ای مشهور یاد شده، یکی از این تعقیبات برای ارتباط با پروردگار است که برخی عالمان امامیه این دعا را در ادعیه و *المزار* خود آورده و برای آن ثواب و زمان قرائتی یاد کرده‌اند. از جمله در ثواب قرائت این دعا نقل است که علی علیه السلام فرمود: «مَنْ دَاوَمَ عَلَيَّ قِرَائَتِهِ وَ الْعَالَمَ مَمْلُوءًا مِنَ الْبَلَايَا مَا يَضُرُّهُ أَبَدًا.» (نخ: رقم ۶۱۲۸/۱، ص ۴، ستون سمت راست؛ ۱۲، ص ۴۸) یا «هرکس این دعا را با اراده صادقه و ثابته بخواند او را از برکت ولایت آن حضرت، حظی کامل حاصل آید.» (همان، ص ۵، ستون سمت چپ) همچنین آورده‌اند دعای صبح حاوی نکاتی است که درک آن استعداد خاصی می‌طلبد و هرکس را توان فهم آن نیست؛ از این رو، قرائت سوره حشر و یا دعای عدیله را می‌توان جایگزین آن کرد. (ری شهری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۴) زمان قرائت این دعا نیز از طلوع صبح صادق تا شروق آفتاب ذکر شده (خویی، ۱۳۷۶، ص ۴۸) و مشهور بعد از فریضه صبح و نیز پس از نافله صبح توصیه شده است؛ البته، به هرکدام عمل شود، پسندیده است. (قمی، ۱۳۸۱، ذیل دعای صبح؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۳۵۳)

از طرف دیگر، برای تاریخ‌گذاری هر متن، می‌توان از چهار نوع تحلیل استفاده کرد تا اصالت و تاریخ ادعاشده از نگارش هر متنی روشن شود. از جمله تحلیل سند، تحلیل نسخه‌شناختی، تحلیل کتاب‌شناختی و تحلیل ساختار متن. برخی معتقدند از بین چهار تحلیل فوق، تحلیل کتاب‌شناختی و نسخه‌شناختی نتایج اطمینان‌آورتری را به دست می‌دهند. (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۰) ما در این نوشتار تحلیل سند این دعا و نسخه‌شناسی را در اولویت قرار داده‌ایم؛ چون وجود نسخه‌ای کهن از یک متن، دلیلی

بر این خواهد بود که متن- دست-کم- به اندازه نسخه خطی موجود قدمت دارد؛ و نیز تحلیل روند تکثیر نسخه‌های یک اثر در طول تاریخ- در کنار قراین دیگر- می‌تواند مبنایی برای تاریخ‌گذاری باشد. (همان‌جا) چه بسا، در نوشتار دیگری در آینده، با تحلیل متن به روش سبک‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخ‌گذاری دقیق‌تری از این دعا به دست خواننده دهیم.

درباره پیشینه بحث نیز باید گفت تا جایی که نگارندگان آگاه‌اند، کسی تاکنون با تحلیل نسخ خطی و نیز تحلیل سندی، تردید انتساب دعای صباح به حضرت علی علیه السلام را پژوهش نکرده است. همچنین بحث بینامتنیت دعای صباح که در بخش علو مضمون به آن گذرا اشاره کرده‌ایم و در مقاله دیگری مفصل به آن خواهیم پرداخت، در هیچ پژوهش مرتبط با دعای صباح، تاکنون بررسی نشده است. از این رو، این مقاله از نوآوری برخوردار است.

۲. طرح مسئله

می‌دانیم این مناجات عرفانی به حضرت علی علیه السلام منسوب است؛ حال آنکه سند متصلی تا علی علیه السلام برای آن وجود ندارد؛ اولین بار، با فاصله بیش از شش قرن، از زمان حیات امام علی علیه السلام این دعا توسط علی بن الحسین بن حسان بن الباقری قرشی الحلی، زنده به سال ۶۵۳ یا ۶۵۵ ق، در اختیار المصباح روایت شد. شریف یحیی بن قاسم العلوی در ۷۳۴ ق، نیز به آن دست یافت. با فاصله‌ای حدود ۲۰۱ یا ۲۰۵ سال پس از او نیز، علی بن عبدالعالی کرکی نیز به درویش محمد اصفهانی، به سال ۹۳۵ یا ۹۳۹ ق اجازه نقل داد.

با این اوصاف، جای پرسش‌های متعددی در این خصوص باز است؛ از جمله چرا این دعا در عصر تدوین نهایی مکتوبات شیعی یعنی قرن چهار هجری به‌ویژه در مصباح المتعجل شیخ طوسی آورده نشد؛ آیا این موضوع می‌تواند انتساب این دعا را به حضرت امیر علیه السلام با تردید مواجه کند؟ و اینکه چرا از این دعا به‌عنوان ادعیه‌ای مشهور یاد شده است.

گفتنی است در نگارش این مقاله، از نسخ خطی کتابخانه‌های مختلف از جمله آستان قدس رضوی، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، موزه ملی ملک تهران،

اسناد و مدارک ملی کشور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم و کتابخانه مجلس شورای اسلامی بهره برده ایم.

۳. ورود به بحث اصلی

برای ورود به مبحث اصلی مقاله نخست به تعریف مفاهیم می پردازیم.

۳-۱. اصطلاح مشهور

در علم درایه، اصطلاح مشهور برای «حدیث» به کار برده می شود. حدیث مشهور حدیثی است که نزد اهل حدیث شایع و مشهور باشد و جماعتی آن را نقل کنند یا اینکه حدیث فقط نزد اهل حدیث شایع باشد اما نزد اهل حدیث، اصلی نداشته باشد که از باب نمونه حدیث «مَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ آذَارِ بَشْرَتِهِ بِالْجَنَّةِ» و یا «مَنْ آذَى ذِمِّيًّا فَأَنَا خَصِيمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» را می توان نام برد. (غفاری صفت، ۱۳۸۴، ص ۴۹) برخی نیز به حدیثی که راویان آن در هر طبقه یا بعضی طبقات بیش از سه نفر باشد، حدیث مشهور گفته و آن را مرادف حدیث مستفیض و اعم از آن دانسته اند. (صدر، بی تا، ص ۱۵۸) گاهی هم حدیث مشهور بر حدیثی که راویان آن بسیارند (عاملی، ۱۳۶۶، ص ۹۹؛ نخ: رقم ۶-۲۷۱۸۶، ص ۷۰) یا حدیثی که عمل به آن بین فقها شهرت یافته (محقق حلی، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۴۷۹؛ جمعی از محققان، ۱۳۹۲، ص ۵۲۸) یا در یکی از اصول اربع مائه آمده، اطلاق می شود. (غفاری صفت، ۱۳۸۴، ص ۴۸) همچنین مشهور به معنای مخالف شاذ بودن معنا شده است. (جمعی از محققان، ۱۳۹۲، ص ۴۴۵؛ صدر، بی تا، ص ۲۲۰؛ صبحی صالح، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴) ادعای مشهور بودن این دعا، هم در کتاب الصلوة بحار الانوار و هم در کلیات مفاتیح الجنان (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۶-۷) آمده است. فرض ما بر آن است که شهرت دعای صباح از باب عمل به احادیث «من بلغ» و «قاعده تسامح در ادله سنن» و «شهرت عملیه» باشد. در تأیید این سخن، می توان به ارتباط شهرت و تسامح از منظر شیخ بهایی در مشارق در رساله تسامح آن اشاره کرد یا اینکه اضافه کرد موافقان قاعده من بلغ به «شهرت»، اجماع و احتیاط چنگ می زدند. (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱-۲۱۲)؛ از این رو، ابتدا تعریفی از شهرت عملیه به دست خواهیم داد سپس، نظر موافقان و مخالفان قاعده تسامح در ادله سنن را ذکر می کنیم.

۲-۳. شهرت عملیه

شهرت عملی به معنای اشتهار عمل به روایتی از جانب عده زیادی از فقهاست که تعدادشان به حد اجماع نمی‌رسد؛ به این معنا که مشهور فقها در مقام فتوا و انتخاب رأی و نظر خویش در یکی از مسائل فقهی، آن روایت را مستند قرار داده و با تکیه بر مضمون آن فتوا داده‌اند. مشهور فقهای امامیه اعتقاد دارند شهرت عملی باعث جبران ضعف سند روایت ضعیف و نیز اعراض مشهور از عمل به روایتی، موجب ضعف روایت صحیح می‌شود. (جمعی از محققان، ۱۳۹۲، ص ۵۲۹)

۳-۳. بررسی لغوی و اصطلاحی «من بلغ» و «سنن»

۱-۳-۳. من بلغ

بلغ از ماده بلوغ به معنای رسیدن است؛ معنای بلوغ ثواب، همان رسیدن و واصل شدن ثواب است. (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۲) از این رو، اخبار من بلغ اخباری است که اگر در روایات ضعیف منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و عده پاداش و اجر بر انجام عملی آمده باشد و کسی آن عمل را به شوق رسیدن به آن پاداش انجام دهد، به ثواب آن می‌رسد؛ اگرچه در واقع چنین کلامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر نشده باشد. درباره اخبار «من بلغ» غالباً دو نظر وجود دارد که ماحصل آن دو قول این است که به استحباب عمل نمی‌توان فتوا داد بلکه انجام آن رجائاً و به امید مطابقت با واقع مستحب است یا به استحباب عمل می‌توان فتوا داد. (جمعی از محققان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸) همچنین بلوغ خبر یا حدیث، گاهی با اسناد معتبر تحقق می‌یابد و گاه با اسناد ضعیف، و در هر دو صورت بلغ الخبر گفته می‌شود. در هر صورت اسناد ضعیف به «بلغ» تعبیر می‌شود و احتیاجی به سند معتبر ندارد. (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۲ به نقل از مامقانی، چاپ مرتضویه، ص ۳۴) افزون بر این، اخبار «من بلغ» را میانجی در ثابت کردن حکم شرعی دانسته و این نظر را به «مشهور» نسبت داده‌اند. (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲)

۲-۳-۳. سنن

سنن در لغت از سنت اخذ شده، لغویون معانی گوناگونی برای سنت بر شمرده‌اند؛ از جمله دوام و استمرار، به معنای راه و روش پسندیده، راه و روش، و در اصطلاح اصولیون، گفتار و کردار و تقریر معصوم صلی الله علیه و آله است؛ و در تعریف شیعی گفتار و رفتار

پیامبر ﷺ و امامان علیها السلام ذکر شده است. (جمعی از محققان، ۱۳۹۲، ص ۴۹۰) علمای اخلاق نیز، سنت را در سنن اخلاق و آداب به کار برده‌اند که عبارت است از ویژگی‌های رفتار پسند دین و خرد که آدمی خود را به آن می‌آراید. سنن در اصطلاح کلامیین و فقها گاهی در مقابل بدعت و زمانی مرادف با استحباب به کار می‌رود. (ولایی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵) نیز آورده‌اند سنن همان مستحبات است که با آداب و رسوم اخلاقی نیز همسویی دارد. (خوانساری، ۱۳۵۶، ص ۲۰۸-۲۰۹)

۳-۳-۳. مفهوم تسامح در ادله سنن

این تعبیر یا به عبارتی قاعده، نزد بزرگانی همچون شیخ مفید، طوسی و سید مرتضی کاربرد نداشته است و از قرن دهم به بعد قاعده تسامح در ادله سنن شکل گرفته است. (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰) اصطلاحی معروف نزد اصولیون است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۱) که نه تنها فقهای شیعه اصولی، بلکه محدثان اهل سنت هم با تعبیر نزدیکی به این اصطلاح به آن معتقدند. منشأ قاعده تسامح به روایاتی برمی‌گردد که به اخبار من بلغ شهرت دارند. تسامح در اخبار سنن، به معنای اثبات سنت اخبار ضعیف (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۸) است. در اصول کافی و المحاسن برقی روایات آن نیز آمده است (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲؛ برقی، ج ۱، ص ۲۵ به نقل از رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰) از جمله طرفداران نظریه اخبار من بلغ در میان امامیه، محقق نائینی است که ماحصل نظر ایشان چنین است: «اخبار من بلغ بر حجیت خبر ضعیف در دایره سنن و مستحبات دلالت می‌کند.» و مفاد اخبار من بلغ اخبار به وعده ثواب است و مفادی اخباری است نه انشایی. یعنی شارع در مقام خبر دادن از این واقعیت است که به عمل کننده آن از باب تفضل و امتنان ثواب خواهد داد. (رضوانی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۸۴-۲۸۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

به عبارت دیگر، این قاعده بیان می‌کند هرگاه خبر واحدی از معصوم ﷺ درباره استحباب انجام عملی رسید، اگر کسی بدون بررسی سند حدیث به محتوای آن عمل کند، ثواب آن عمل به او می‌رسد؛ حتی اگر آن حدیث از معصوم صادر نشده باشد. بسیاری از فقیهان شیعه همچون علامه حلی، شهید اول و مرحوم نائینی براساس قاعده تسامح فتوا داده‌اند. (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۶؛ رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰) ابن فهد

حلی نیز پس از نقل برخی احادیث من بلغ آورده است: «فصار هذا المعنى مجمعاً عليه بين الفريقين.» بر اساس این روایات، تسامح در ادله سنن و فضایل را مورد اجماع شیعه و سنی می‌داند (ابن فهد حلی، ص ۱۳ به نقل از کلانتری، ۱۳۸۹، ص ۴) گرچه برخی از عامه و خاصه نیز این روایات را جعلی دانسته‌اند یا طرح اشکال کرده‌اند. از جمله آیت‌الله خوئی به نظر نائینی طرح اشکال کرده و مخالف حجیت اخبار من بلغ و معتقد به استحباب نفسی است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۹) او به عدم شهرت اخبار من بلغ در نزد فقهای متقدم و شهرت آن نزد فقهای متأخر قائل است. کاشفیت و جعل طریقت- یعنی می‌خواهیم این را طریق قرار دهیم که شما از آن پیروی کنید- از دیگر نظریات اوست. (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۵) همچنین محقق خوانساری معتقد است: «مسئله تسامح مسئله‌ای اصولی است و مسئله اصولی را نمی‌توان با اخبار واحدی همچون اخبار من بلغ ثابت کرد. (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹) محقق سبزواری نیز بر این باور است: «از روایت من بلغ، مستحب بودن اصل عمل استفاده نمی‌شود و تسامحی که مژده داده شده، تسامح در اندازه ثواب است (همان، ص ۲۱۶) و اخبار تسامح استحباب ظاهری را ثابت می‌کنند؛ همچون قاعده ید و قاعده طهارت که مالکیت و طهارت ظاهری را درست می‌کنند. (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹) جلال‌الدین دوانی، شیخ بهایی، صاحب مدارک و صاحب حدائق از جمله مخالفان این قاعده هستند (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳-۲۱۴) و عاملی و بحرانی نیز بر این باورند که استحباب بایستی از راه دلیل معتبر ثابت گردد. (همان، ص ۲۱۴)

از میان اهل سنت نیز، با اندک تفاوتی در تعبیر تسامح، تسامح در احکام غیر ضروری را روا دانسته‌اند. صاحب مغنی المحتاج می‌نویسد: «ان الحدیث المرسل و الضعیف الموقوف یتسامح به فضائل الاعمال و یعمل بمقتضاه.» (شربینی، ج ۱، ص ۴۰ به نقل از کلانتری، ۱۳۸۹، ص ۴) نیز ابن حجر در شرح اربعین آورده است: «عمل به خبر ضعیف که در مطلوبیت چیزی وارد شده خالی از اشکال است؛ زیرا اگر آن عمل با واقع مطابق شد یعنی آن عمل در واقع هم مستحبی است که ثواب آن را می‌برد و اگر مخالف با واقع باشد هیچ مفسده‌ای بر آن مترتب نیست (من بلغه عنی ثواب عمل فعمل حصل له اجره و ان لم اکن قلته). (میرمحمدی، ۱۳۶۹، ص ۱۷) محیی‌الدین نووی،

بکری دمیاطی و مناوی نیز به تسامح احادیث فضایل معتقدند. (مناوی، ج ۶، ص ۵۱ به نقل از کلانتری، ۱۳۸۹، ص ۹)

۴. تحلیل سندی دعای صباح

۴-۱. سند اول

پیش از این گفتیم که که نخستین راوی این دعا ابن الباقری قرشی الحلّی (زنده به سال ۶۵۳ یا ۶۵۵ق) معاصر سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق) و محقق حلی (م ۶۰۹-۶۷۶ق) است که در *اختیار المصباح* دعا را آورد. (خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۱۴۷؛ قرشی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۰) محسن امین: «قرشی کتابی با عناوین *الاختیار* و *کتاب المصباح* داشت که از آن دو کتاب، بسیاری از افراد در ادعیه خود به ویژه کفعمی نقل کرده‌اند؛ و ظاهراً این دو کتاب یکی بوده و قرشی در سال ۶۵۳ق تألیف آن را به پایان رساند.»^۲ (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۹۱) البته تاریخ ۱۳ جمادی سال ۶۵۵ق یعنی دو سال بعد از تاریخی که محسن امین برای اتمام این کتاب ذکر کرده است. (قرشی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۷؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۶۴۳) بسیاری از علمای شیعه نیز معتقدند این کتاب مختصر شده *المصباح المتهجد طوسی* است (دوانی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۲۱۲) که شهرت خاصی بین علمای بحرین دارد و علت شهرت آن به سبب زیادتی بوده که در «اصل» نبوده (قرشی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۴-۳۵) و با لفظ «زیاده» یا «زیاده من غیر المصباح» آمده است که از مهم ترین این زیادات، دعای صباح مدنظر این نوشتار است. آقابزرگ در یک جا با این عبارات «علی نحو ارسال المسلم الی أن قال: واطاف فی اختیار ادعیه و جدها فی غیر *المصباح الکبیر* و منها دعاء الصباح غیر مذکور فی *المصباح* (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵، ج ۸، ص ۲۳۰) و در جای دیگر با عبارات «انی عمدت الی *المصباح الکبیر* لشیخنا الطوسی فاخترت کلما ذکره من الأدعیه المختصه ... و أضفت الی ذلک أدعیه وجدتها زیاده علی ما اخترتها و جعلتها فی مظانها و حذف منها ما لا یحتاج الی ذکره...» (همان، ج ۱، ص ۳۶۴) نشان می‌دهد که قرشی هر جا مطلبی می‌یافته، اضافه یا بنا بر سلیقه مطالبی را حذف می‌کرده است؛ روش پیش گرفته قرشی در کم و زیاد کردن مطالب با عبارت «اضفت و حذف» نه تنها روش علمی نبوده است؛ بلکه نقطه ضعف اثر قرشی و نیز یافته‌های اوست.

۲-۴. سند دوم

مجلسی سند دوم را به شریف یحیی بن قاسم بن عمر علوی عباسی یمنی نسبت داده که ظاهراً همان یحیی بن القاسم بن عمرو بن علی بن خالد العلوی عمادالدین الیمانی الصنعانی (م ۶۸۰-۷۵۳ق) است که به فاضل یمنی و نیز به فاضل علوی مفسر اَدیب، شافعی مذهب اهل صنعا یمن مشهور است. (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۴۹۹-۵۰۲؛ زرکلی، ۱۹۷۹م، ج ۸، ص ۱۶۳) شریف علوی قطعاً تا سال ۷۴۹ق که حج به جا آورد، زنده بوده است. (آقابزرگ طهران، ۱۳۵۵، ج ۸، ص ۲۳۱)

آقابزرگ منقولات شریف، یعنی عبارت «وظفرت بسفینة طويلة مكتوب فيها بخط سيدی أمير المؤمنين... کتبه علی بن ابي طالب فی آخر نهار الخميس حادی عشر شهر ذی الحجة سنة خمس وعشرين من الهجرة» [^۳ قال الشریف] نقلته من خطه المبارک وكان مكتوباً بالقلم الكوفي على الرق - فی السابع والعشرين من ذی القعدة سنة اربع وثلاثين وسبع مائة طویله... را تصریح کرده است. (همان، ج ۸، ص ۲۳۱) مجلسی نیز گفته این نسخه به خط کوفی در خزانه ناصرالدین شاه قاجار بوده که در آن عبارت مذکور آمده است. (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۳۴۲؛ قرشی، ۴۳۲ق، ج ۱، ص ۲۷۶) فیض کاشانی هم در ادعیه خود از جمله در ذریعة الضراعة با قید «دعاء الصباح العلوی» این نسبت را تأیید می کند. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵؛ همو، ۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۵؛ همو، ۰۳۳ق، ص ۹۲)

۳-۴. سند سوم

سند سوم، از چند طریق به عبدالعلی کرکی می رسد. از جمله ملا محمد جعفر مترجم دعای صباح می گوید: «از خط والد خود ابوالحسن بن محمد ابراهیم که او در سنه محرم ۱۰۸۷ هجری از خط عبدالعلی، و او نیز به تاریخ ۹۳۵ هجری ماه شعبان از خط علی بن محمد مهدی^۴ به تاریخ رجب ۷۳۸ از خط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که بعد از اتمام دعا به خط مبارک شریف خود نوشته بودند...» (نخ: رقم ۴۸۱۴۷) به من رسید.

طریق دیگر مربوط است اجازة نقل به درویش محمد بن الحسن العاملی اصفهانی^۵ از علامه مروج المذهب نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی با این عبارت «الحمد لله قرء علی هذا الدعاء والذي قبله عمدة الفضلاء الأخيار الصلحاء الأبرار مولانا کمال الدین

درویش محمد الاصبهانی بلغه الله ذروة الأمانی، قراءة تصحيح، كتبه الفقير على بن عبد العالی فی سنة تسع وثلاثین وتسعمائة حامدا مصليا» در ادامه هم آمده: «وقال فی بعض اجازاته لبعض السادة من تلامذته: ومنها ما أجازنی الشيخ الصالح المرتضى عبدالله بن جابر العاملي ابن عمه والدة والدى عن جد والدى من قبل أمه العالم الثقة الفقيه المحدث كمال الدين مولانا درویش محمد بن الشيخ حسن النطنزی طيب الله أرامسهم عن الشيخ على الكركی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲، ص ۱۰۶ و ۱۰۷، ج ۱۰۵، ص ۸۴، ج ۱۱۰، ص ۱۶۰؛ ۱۰، ج ۲۰، ص ۵۲) همان طور که ملاحظه می شود در بحار الانوار به سال ۹۳۹ق، یعنی چهار سال دیرتر از تاریخ نسخه رقم ۶۰۹ آستان قدس اشاره کرده؛ دیگر اینکه نسخه رقم ۶۰۹ آمده عبدالعلی از روی خط علی بن محمد مهدی به تاریخ رجب ۷۳۸ ق استنساخ کرده؛ این در حالی است که بحار الانوار نقل کرده شریف یحیی بن قاسم علوی در سال ۷۳۴ ق، یعنی چهار سال قبل تر از ۷۳۸ ق به این دعا دست یافته است.

۵-۴. سند چهارم

راوی چهارم احمد بن صلح بن ابی رجال یمنی (متوفی ۱۰۹۲ق) است که در مطلع البدور به آن اشاره (ری شهری، ۴۲۲ق، ص ۴۸؛ بحر العلوم، ۱۴۳۲ق، ص ۲۷) و تاریخ نویسی کرده است. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵، ج ۸، ص ۱۹۱) ظاهراً این فرد همان احمد بن صالح بن محمد بن احمد بن صالح (م ۱۱۴۵-۱۱۹۱ق) است که معروف به ابن أبی الرجال و عالم در نحو، صرف، معانی، بیان، اصول و تفسیر، صاحب حاشیه علی شرح الغایة و حاشیه علی الکشاف بوده است. (شوکانی، بی تا، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲) ولی اگر این حرف درست باشد، اختلاف در سال وفات وجود دارد.

۵. دلایل تردید انتساب دعای صباح به حضرت علی علیه السلام

۵-۱. ثبت نشدن دعا در عصر غلبه نگارشها در ادعیه و المزار

یکی از مشخصه های دوره دوم حدیث شیعه، جمع آوری ادعیه و زیارات در مجموعه های خصوصی بود. این کار از عصر غیبت آغاز و تا قرن چهارم هجری یعنی عصر غلبه نگارشها ادامه داشت؛ به طوری که علما توانستند به تدوین نهایی دانش های مذهبی شیعه دست یابند. هرچه حدیث، خبر صحیح یا ضعیف که بر طریق دوازده

امامی روایت شده بود، جمع کردند و از آن‌ها دفترها ساختند و علاوه بر تدوین علم کلام، تفسیر، حدیث و فقه، در تدوین ادعیه و اذکار آخرین کوشش‌های خود را نیز به کار بردند. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۴۱) از جمله کتاب الدعاء اثر کلینی، کامل الزیارات ابن قولویه، کتاب الدعاء و المزار صدوق، کتاب المزار شیخ مفید، مصباح المتعجل طوسی و روضة العابدین تألیف کراجکی. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵، ج ۸، ص ۱۷۴) از همین رو، یکی از شارحان این دعا به نام میرزا علی بن علی رضا خاکمردانی خوبی در نسخه خطی رقم ۱۰۹۸۰ با این عبارت «... و لکن یبعد صدورها مضافاً الی عدم نقلها فی الکتب المعتمدة مع کمال اهتمامهم لضبط کلمات امیر المؤمنین...» با این مضمون که بعید است دعا منسوب به حضرت امیر علیه السلام باشد چون در کتب معتبر نیامده (نخ: رقم ۱۰۹۸۰، بدون شماره فریم) اشاره می‌کند که انتساب این دعا به حضرت امیر علیه السلام محل تردید است.

با وجود این گزارشات تاریخی و نسخه‌شناسی، پس جای این پرسش است که چرا در عصری که آخرین تلاش‌ها برای نگارش ادعیه امامان به درست یا حتی به غلط صورت می‌گرفته، این مناجات در ادعیه و مزارنویسی‌های آن قرون آورده نشد.

۲-۵. فاصله نخستین راوی دعای صباح با عصر امام علی علیه السلام

همان طور که می‌دانیم این دعا در ادعیه متقدم پیش گفته نیامد و برای نخستین بار در اختیار المصباح ابن الباقری (زنده به سال ۶۵۳ یا ۶۵۵ق) آورده شد (خوانساری، ج ۵، ص ۱۴۷؛ قرشی، ج ۱، ص ۳۰) که بیش از شش قرن، راوی آن با حیات علی علیه السلام فاصله زمانی داشت؛ از همین رو، این فاصله زمانی یکی از دلایل تردید این انتساب است.

۳-۵. ارسال سند

ابن الباقری این دعا را به صورت خبری واحد و بدون سند متصل گزارش کرد؛ هرچند دعای صباح حکم فقهی نیست که واحد بودن آن، حجیتش را کاملاً زیر سؤال ببرد، انتساب آن را با تردید روبه‌رو می‌کند. اینکه مجلسی گفته: «هذا دعاء من الادعية المشهورة و لم أجده فی الکتب المعتمدة الا مصباح السيد ابن الباقری و وجدت منه نسخة قرء المولی الفاضل مولانا درویش محمد الاصفهانی جدّ والدی من قبل أمه رحمه الله علیهما علی العلامة مروج الذهب نورالدين علی بن عبدالعالی الکرکی»

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲، ص ۱۰۷) و نیز گفته: «و وجدتُ فی بعض الکتب سندا آخر له هكذا: قال شریف یحیی بن قاسم العلوی: ظفرت بسفینه طویله مکتوب فیها بخط سیدی و جدی امیر المؤمنین...» این عبارات نه تنها سند را به علی علیه السلام متصل نمی‌کند، بلکه عبارت «جدّ والدی من قبل أمه رحمه الله علیهما» نشان می‌دهد که حلقه‌های مفقوده سند این دعا بسیار است؛ زیرا اسامی آنها دقیقاً ذکر نشده است. همچنین روایات ثواب قرائت این دعا نیز مرسل گزارش شده‌اند، از این رو، تردید انتساب دعا به علی علیه السلام را تقویت می‌کند.

۴-۵. طریق وجاده

نسخه‌ای از بحار به رقم ۱۰۰۱^۶ اشاره کرده: «... الدعاء- دعاء الصباح- وجد بخط مولانا امیر المؤمنین بالتاریخ المذكور...» (همان، ج ۹۱، ص ۲۴۲ و ۲۶۳)؛ یا در نسخه چاپی از بحار الانوار درباره سند دعای صباح آمده: «... وجدتُ منه نسخه قرء المولی الفاضل مولانا درویش اصفهانی...» (همان، ج ۱۰۲، ص ۱۰۷) در عبارت مجلسی فعل «وجد» یا «وجدت» آمده که پایین‌ترین طرق تحمل حدیث یعنی «وجاده» شیوه نقل این مناجات بوده است. (همان، ج ۹۱، ص ۲۴۳)

برای اینکه اعتبار طریق «وجاده» را بدانیم باید تعاریفی از آن داشته باشیم. وجاده نوعی روش اخذ و تحمل حدیث است که بدون سماع، اجازه و مناو له از صحیفه‌ای اخذ می‌شده و عبارت از اینکه شخص، کتاب یا حدیثی را به خط فردی بیابد اعم از اینکه هم‌عصر او باشد یا نباشد، او را ملاقات کرده باشد یا ملاقات نکرده باشد، ولی این کتاب را از او سماع نکرده و از جانب آن شخص نیز اجازه‌ای برای او صادر نشده باشد. لذا حدیث یا کتابی که از این طریق به دست آید، مرسل و منقطع است (غفاری صفت، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷) و می‌دانیم که مرسل نزد محدثان اعتباری ندارد. به عبارت دیگر، شیوه‌ای که بدون اجازه نقل می‌شده و از عبارات «حَدَّثْتُ»، «ذکر» و «قال» استفاده می‌شده، آن را وجاده می‌گفتند. (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۱ و ۴۵۷)

نیز آورده‌اند: «احادیثی که خط نویسنده‌اش شناخته شود در اصطلاح علم حدیث «وجاده» گویند.^۷ (قضاعی، ۱۳۷۵، ص ۲۱) یا اگر محدثی، خط نویسنده‌ای را بشناسد و وثوق بدان داشته باشد، گوید: «وجدتُ هذا الکتاب بخط فلانی او قرأتُ بخط فلان او

فی کتاب فلان بخطه.» (کشاف، رقم ۱۴۵۵ به نقل از سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۵۹۸) اما اینجا این سؤال پیش می‌آید که مبانی شناخت هر خط - نویسنده هر کس که باشد - چیست؛ تا بر ادعای مدعی شناخت خط کاتب آن متن صحه گذاشت؟

همچنین گفته شده: وجاده یعنی اینکه انسان کتابی را در جایی ببیند؛ بدون اینکه به طریق سماع، قرائت و بدون اجازه به او رسیده باشد. کتاب وجاده‌ای اگر اطمینان به صحت نسخه آن باشد معتبر؛ وگرنه از درجه اعتبار ساقط است (عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۳۵ به نقل از قنبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۹۶)؛ به نظر جمیع اهل فن نمی‌تواند آن را روایت کند، بلکه می‌گوید: «یافتم» یا به خط فلانی «خواندم» که فلانی برای من روایت کرد و بعد بقیه اسناد در متن را به دنبال آن بیاورد یا می‌گوید: به خط فلانی یافتم یا در کتاب فلانی از فلانی دیدم. (شهید ثانی، ص ۱۰۸۸۲ به نقل از عسکری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۲۲)

مهریزی نیز درباره اصطلاح حدیثی «وجدت» آورده است: «استفاده علامه مجلسی از واژه وجدت (نسخه را یافتم) گاه استناد به نسخه‌های کهن و قدیمی است و گویای یک کار گروهی و جمعی است...» (مهریزی، ۱۳۸۰، ص ۹۷) در تأیید کلام مهریزی، می‌توان به سخن طبسی نیز استناد کرد: «علامه مجلسی گروهی محقق در مجموعه علما در اختیار داشت و به شکل گروهی فعالیت می‌کرد؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «فقد وجدت فی خزانه امیر المؤمنین...» یعنی آن را یافتم و این موضوع غیر از سماع است. (طبسی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۴۹) همچنین وجاده می‌تواند به معنای «وصل الینا» یعنی نسخه را از گوشه کنار کتابخانه‌ها به دست آوردیم، باشد. (قنبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۰۰)

۵.۵. فترت نقل

بعد از ادعای ابن الباقری قرشی در اختیار المصباح، با یک سکوت و نیز ناپیدایی این دعا مواجهیم؛ یعنی از فاصله سال ۶۵۵ تا ۷۳۴ هجری، کسی به جز شریف یحیی بن قاسم علوی راجع به دعای صباح کلامی در تأییدش نگفت. لذا این وقفه و فترت نقل نیز می‌تواند دلیلی بر تردید این انتساب باشد و احتمالاً این سکوت، به قاعده «من بلغ» یا تسامح در ادله «سنن» که پیش از این در این نوشتار توضیح دادیم، برمی‌گردد؛ چنان‌که علامه مجلسی نیز بر این اعتقاد است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۳۳۹)

همچنین از آنجا که مضامین بلند اخلاقی عرفانی دعا برای خوانندگان آن معرفت و قرب به سوی پروردگار به همراه داشت، علما به دنبال اثبات قطعی الصدور بودن و یا رد انتساب دعا به امیر علیه السلام برنیامدند.

۶-۵. ثبت نشدن دعای صباح در ادعیه مقارن با اختیار المصباح

با فاصله اندکی از ابن الباقری، در میان شیعه، آخرین کتاب ادعیه ابن طاووس (م ۶۶۴) با عنوان *مهج الدعوات منهج العنايات* تألیف شد که حاوی دعاها و حرزها، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امام زمان علیه السلام بود؛ مگر ممکن است ابن طاووس به حرزی از علی علیه السلام اهتمام داشته باشد و آن را صحیفه بنامد (آل جمیع، بی تا، ص ۷۹-۸۴)، اما مناجات منتسب به علی علیه السلام را که در بحار نیز ذیل «احراز» آمده است، نامی نبرد؛ این در حالی است که تألیف *مهج الدعوات* دو سال قبل از فوت سید بن طاووس، یعنی در سال ۶۶۲ هجری، ۷ یا ۹ سال بعد از اتمام *اختیار المصباح* تدوین شد. (افشار، ۱۳۵۲، ص ۲۱۷) همچنین در میان صوفیان *اوراد الاحباب و فصوص الآداب* اثر ابوالمفاخر باخرزی کبروی به سال ۷۲۳ ق تألیف شد که ادعیه معصومین علیهم السلام را شامل اذکار از نماز صبح تا شام برای خانقاهی‌ها آورده بود (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۸)، باز طرح این پرسش را باز می‌گذارد که چرا دعای صباح منتسب به امیر علیه السلام در آن کتاب نیامده؛ هرچند که این کتاب با هدف ذکر ادعیه امامیه تدوین نشده باشد؛ اما از آنجا که هدف *اوراد الاحباب* ذکر ادعیه برای صوفیان بوده است که برای علی علیه السلام احترام و قداست ویژه‌ای قائل‌اند، انتظار می‌رود که این دعا حداقل با قید نام دیده می‌شد.

۷-۵. رونق کتابت نسخ خطی و شرح نویسی دعای صباح در عصر صفوی

شاه اسماعیل اول، نخستین پادشاه سلسله صفویه، به سال ۹۰۵ هجری به حکومت رسید (راوندی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۷۹) و با ادعای سیادت و پیوند خود با آل علی علیهم السلام مشروعیت سیاسی خود را محرز کرد و بدین ترتیب تا حدودی اقتدار خود را با باورهای دیرین شیعه، یعنی امامت علوی از نسل فاطمه علیها السلام نزدیک ساخت. از این رو، در این دوره، با تکیه بر اعتقادات دیرین و جافتاده شیعی، مذهب تشیع در ایران رسمیت یافت. با رسمیت یافتن مذهب تشیع در این دوره، برخی از بزرگان شیعه همچون محقق ثانی، مقدس اردبیلی، شیخ بهایی، ملا محمد تقی مجلسی، ملا محمد باقر

مجلسی و میرداماد ظهور کردند و در فقه، حدیث، فلسفه و تفسیر کتاب‌های معتبری تدوین شد. توجه دوره صفوی به مذهب تشیع و تعظیم و تکریم آنان نسبت به آل علی علیهم السلام به حدی بود که شعرای مرثیه‌گو مانند محتشم کاشانی و نوپردازانی به سبک هندی همچون کلیم و صائب نیز پرورش یافتند. (شاکر، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷-۱۴۸) همچنین شاه اسماعیل ظاهراً به منظور مشروعیت اهداف سیاسی خود و جلب نظر علما و مردم دستور می‌داد تا بر درودیوار شهر و مساجد مدح علی و نیز لعن خلفا را بنویسند؛ به طوری که گفته شده سیاست مذهبی شاه اسماعیل دوم این بود که دستور داد تمام اشعار و عباراتی را که در مدح علی علیه السلام بر درودیوار شهر و مسجد در زمان پدرش نوشته بودند، محو سازند. (راوندی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۹۳) در چنین عصری از صفویه، درویش محمد اصفهانی به سال ۹۳۹ق اجازه نقل به علی بن عبدالعالی کرکی داد و از همین زمان بود که کتابت نسخ خطی دعای صباح آغاز شد و از سده ۱۱۹۳-۱۳۱۳، یعنی دوره اول و دوم سلطنت قاجاریه، از رونق چشمگیری برخوردار شد.

۸. تفاوت نسخ و کاستی‌ها و اضافات هریک از آنها

در بعضی نسخ بعد از دعای سجده، اضافاتی وجود دارد از جمله، نسخه خطی‌ای به قلم ام سلمه دختر فتحعلی شاه قاجار: «سبحانک لا اله الا انت یا حنان و یا منان...» (نخ: رقم ۷۰، فریم ۷)^۱ حال آنکه همین نسخه - نسخه ام سلمه - البته با اندک تفاوت‌هایی به رقم ۵۸، به تاریخ کتابت قرن ۱۲۵۵ قمری در کتابخانه موزه ملی ملک رؤیت شد که برای معتمدالدوله فرهاد میرزا ارسال شده (ابو رجال یمنی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۹۷) و عبارت «یا رحیم یا حلیم یا کریم اقص حاجاتی بحق القرآن العظیم و النبی الکریم...» را دارد. (نخ: رقم ۱۲۵۰۶۸۹، فریم شماره ۲۴) همچنین در نسخه دیگری در پایان دعای صباح، دعای ختم برای دعا ذکر شده است. (نخ: میرزا قزوینی گیلانی، بدون شماره) دعای سجده اگرچه در اختیار مصباح آمده است، در اکثر نسخ موجود نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۲۶۳) همچنین فیض کاشانی گفته: «و زادت هنا المجلسی عبارات هكذا: ثم يسجد ويقول: إلهی قلبی محبوب، و نفسی معیوب، و عقلی مغلوب، و هوائی غالب، و طاعتی قلیل، و معصیتی کثیر، و لسانی مقرر و معترف بالذنوب، فکیف حیلتی یا ستار العیوب، و یا علّام الغیوب، و یا کاشف الکروب، اغفر ذنوبی کلّها بحرمة محمد و آل

محمد، یا غَفَّار یا غَفَّار یا غَفَّار، برحمتک یا أرحم الراحمین.» با این بیان فیض، ظاهراً دعای سجده موجود در *مفاتیح الجنان*، کلام مجلسی است و از قول مجلسی می‌گوید: «وقال المجلسی لهذه الزیادة: ثم اعلم أن السجود والدعاء فيه غير موجود فی أكثر النسخ، وفي بعضها موجود وكان فی الاختیار مكتوباً علی الهامش هكذا: إلهی قلبی محجوب وعقلی مغلوب ونفسی معیوبة ولسانی مقرب بالذنوب وأنت ستار العیوب، فاغفرلی ذنوبی یا غَفَّار الذنوب، یا شدید العقاب، یا غفور یا شکور، یا حلیم، اقض حاجتی بحق الصادق رسولک الکریم، وآله الطاهرين، برحمتک یا أرحم الراحمین.» (فیض کاشانی، بی تا، ص ۴۳۲)

در تأیید کلام مجلسی، نسخی رؤیت شد که فاقد دعای سجده بودند از جمله نخ: رقم ۸۱، رقم ۱۲۵۰۶۸۹؛ نخ: رقم ۶۰۹ آستان قدس، رقم ۱۹۲۲، رقم ۳۱۴۷؛ نخ: رقم ۱-۲۷۱۸۶، رقم ۵-۳۰۰۲۲ و نخ: رقم ۱۲۴۱۸. در مقابل نیز نسخی دیده شد که حاوی دعای سجده بودند از جمله نخ: رقم ۲۰۶۴، رقم ۱۲۴۴۳ و نخ: رقم ۵-۲۱۹۵۸۰. یا از باب نمونه دیگر، در نسخه شماره ۶۰۹ درباره سند یحیی بن قاسم علوی آورده شده «... و بر ناظر در سند آخر ظاهر است که با وجود موافقت بالمضمون و تاریخ با منقول سید مشارالیه، میرزا قوام‌الدین محمد، دو نحو مخالفت با آن دارد: یکی اینکه «بسمله» در سند آخر مقدم است بر «هذا دعاء» و دیگر اینکه، در آنجا قبل از «من دلع لفظ اللهم است و توفیق بینهما به اینکه شاید دو نسخه در یک روز به خط مبارک حضرت امیر علیه السلام تحریر یافته باشد. با این اختلافات بسیار بعید به نظر می‌نماید و سید میرزا قوام‌الدین چون شبهه در نقل خود نداشت می‌گفت اظهر این است که ناقل سند آخر در این جزئیات اعتماد بر حفظ خاطر خود کرده باشد و الله یعلم.» (نخ: رقم ۶۰۹، ستون سمت راست سطر آخر صفحات نخستین^۱) عبارات آیت‌الله مرعشی نجفی در بیان اختلافات واژگان و عبارات پیش‌گفته این دعا، نکات نهفته‌ای را آشکار می‌کند: یکی اینکه ناقل سند بر حافظه خود اعتماد کرده، سپس آن را نوشته و همین امر سبب اختلافی در بعضی عبارات دعا شده؛ دوم، بر فرض اینکه علی علیه السلام این دعا را در دو نسخه به خط مبارک خود کتابت کرده باشد، تاکنون چنین مطلبی در نسخ و شروح مختلف مطرح نشده است. همچنین در نسخه پیش‌گفته آمده: «وهاجاً در منقول از خط

مبارک حضرت امیر علیه السلام نیست.» (نخ: ۶۰۹ آیت الله مرعشی، فریم شماره ۱۰۴، حاشیه سمت چپ) و یا اینکه «من الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» آمده. (نخ: رقم ۱۲۴۱۸، فریم شماره ۲۱۴) این عبارت نشان می‌دهد در این دعا دخل و تصرف زیادی شده و نشانه تحریف در متن دعاست، چون اگر دعایی به خط امیر علیه السلام پیدا می‌شد؛ دیگر دخل و تصرف در آن معنا نداشت. حتی اگر شارح یا کاتبی می‌خواست دخل و تصرفی نیز بکند، حتماً می‌بایست در حاشیه نسخه ذکر می‌کرد که این جمله از من کاتب یا شارح است؛ لذا، کاستی‌ها و اضافات موجود در نسخ مختلف، یکی دیگر از دلایل تردید است؛ چون همه کاتبان در ارائه سند این دعا فقط به کتابت این دعا به قلم کوفی، در یک تاریخ خاص، یعنی یازدهم ذی‌الحجه سال ۲۵ هجرت اشاره کرده‌اند؛ از این رو، یک نقل درباره دعای صباح ظاهراً بیشتر نباید وجود داشته باشد؛ حال تفاوت در کتابت‌ها و کاستی‌ها و اضافات موجود در دعا چه معنایی جز تردید انتساب می‌تواند داشته باشد.

۹.۵. مصادف شدن تاریخ کتابت دعای صباح با خلافت عثمان و اتفاقات جهان

اسلام

اگر آن گونه که مشهور است این دعا در سال ۲۵ هجری به قلم کوفی و خط علی علیه السلام کتابت و مهر شده باشد، سال ۲۵ هجری مصادف است با اتفاقات مختلف جهان اسلام از جمله خلافت عثمان و فتوحات اسلامی، حادثه اسکندریه و پیمان‌شکنی آنان، قتل عام مردم توسط عمرو عاص، روانه شدن سپاه به سوی مغرب توسط عبدالله بن ابی سرح، مسئولیت کاروان حج به سرکردگی عثمان، گشوده شدن قلعه‌ها، سالاریت معاویه بن ابی‌سفیان بر قوم خود، تولد یزید بن معاویه و نیز نخستین فتح شاپور. (طبری، ۱۹۷۶م، ج ۴، ص ۲۵۰) یکی از شارحان دعا نیز به این موضوع اشاره‌ای داشته است. خوئی حاکم‌دانی با عبارت «... و لکن یبعد صدورها مضافاً الی عدم نقلها فی الکتب المعتمره مع کمال اهتمامهم لضبط کلمات امیر المؤمنین علیه السلام ان علیاً علیه السلام لم یکن تمکن فی ظاهر امره فی التفوه^{۱۱} بامثال هذه الکلمات چهاراً اما فی ایام المخصوصة فواضح و اما فی ایام خلافته کذلک ایضا حیث ان قومه لم یکن لهم صلاح التحمل لامثال هذه الکلمات علی ظاهرها...» و با این مضمون گفته: «بعید است دعا منسوب به حضرت امیر علیه السلام باشد؛ چون، هم در کتب معتبر نیامده و هم با توجه به اهمّامی که به

ضبط کلمات علی علیه السلام وجود داشته، در ظاهر امر به نظر نمی‌رسد که علی علیه السلام این کلمات را در دوران خلافت خلفا برگزیده باشد و همچنین از این حیث که قوم و مردم زمانه او تحمل امثال این کلمات را نداشته‌اند. (نخ: رقم ۱۰۹۸۰، بدون شماره فریم)

۵-۱. علو مضمون صرفاً سبب استحکام و استواری این دعاست نه انتساب آن به حضرت امیر علیه السلام

برخی از محدثان در پذیرش دعا طبق اصل «دلالته تغنی عن السند» صرف نظر از بررسی سند، مضمون و محتوا را مورد وثوق قرار می‌دهند. بدین معنا که گاهی مفهوم و دلالت محتوای دعا به قدری با عظمت است که از ارائه سند بی‌نیاز می‌شود. (ربیع نتاج و زهرا اکبری، ۱۳۹۱، ص ۸۴) از این روست که دعای صباح نیز مشمول این استدلال شده و محتوای ناب و پرمغزش به سبب فرازهای بلند و عرفانی آن (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۷؛ سبزواری، ۱۳۷۵، ص ۴) و نیز شهرتش (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ص ۲۹) علو مضمون را برای این دعا به ارمغان آورده است.

مراد از علو مضمون آن است که محتوا و مضمون حدیث و خبر، به قدری عالی باشد که نتوان احتمال داد آن از غیر معصوم صادر شده است و این معنا در کلمات فقهای بزرگ درباره بعضی از روایات برجسته و عالی المضمون که ظاهراً سند معتبری از آن‌ها در دست نیست، گفته شده است. از باب نمونه، آیت‌الله بروجردی در بحث نماز جمعه هنگامی که سخن به بعضی از فقرات دعای سجاده رسید، در مجلس درسشان فرمودند گرچه صحیفه سجاده به عقیده برخی با سلسله اسنادی طبق موازین معروف رجال به دست ما نرسیده، محتوا و مضمون آن به قدری عالی و والا است که صدور آن از غیر معصوم محتمل نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۷؛ درباره صحیفه سجاده نیز نک: خانی، ۱۳۸۲، سراسر اثر)

علو مضمون یک حدیث می‌تواند دلیلی برای درستی «انتساب» آن حدیث باشد ولی برای پیاده کردن این نشانه باید به دقت به چند نکته نگریست: نخست، علو مضمون نباید نسبی باشد؛ یعنی نباید به گونه‌ای باشد که یک حدیث پژوه حدیث را عالی المضمون بداند و حدیث شناس دیگری با او مخالف باشد؛ دلیل دیگر آنکه، با کمک علو مضمون تنها می‌توان انتساب حدیثی را استوار ساخت که سندی داشته باشد

یا دست کم در یکی از نگاهشده‌های درخور توجه به جامانده از سه چهار سده نخست هجری گزارش شده باشد. از این روست که نمی‌توان حدیث یا دعایی را که پس از هفت یا هشت سده از روزگار امامان علیهم السلام، آن‌هم تنها در نگاهشده‌ای چون اختیار المصباح گزارش شده است به حضرت علی علیه السلام متسبب کرد. (برگرفته^{۱۲} از حسین پوری، ۱۳۹۳، ص ۲۸۷) چون قراین متنی و مضمونی دال بر علو مضمون و اعجاز لفظی دعای صباح، صرفاً صدور حدیث را «استحکام» می‌دهد (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ص ۲۸) و علو مضمون روایت یا خبری، از قواعد و اسباب افزایش اعتماد بر حدیث و خبر است (همدانی، ۱۳۹۳، ص ۳۷)، فرق اساسی بین بحث صحت مضمون و اثبات صدور است. برهانی بر رکنیت صحت مضمون و فرعیت حجیت صدور در ساختار حجیت وجود دارد. طبق این نظر، اگر مضمون خبر یا حدیثی صحیح باشد و صدور آن روایت اثبات نشود ثمره علمی یا شرعی آن حدیث متفی نیست؛ زیرا با انتفای حجیت صدور، «احتمال» صدور همچنان باقی است. اگر صحت مضمون به گونه‌ای تقویت شود مثلاً موافقت با محکومات و عموماً، در این صورت احتمال صدور تقویت می‌شود و این خبر محتمل الصدور صحیح المضمون به منزله قرینه منضم به دلالت عموم خواهد شد (سند، ۱۳۸۶، ص ۸۸) و «احتمال صدور منضم به صحت مضمون، صرفاً درجه‌ای از حجیت است...» (همان، ص ۹۰) این عبارات مستفاد از آن است که صرفاً می‌توان دعای صباح را به علی علیه السلام «محتمل» فرض کرد نه «متسبب» دانست.

پیش از این گفتیم که دیگران به عالی المضمون بودن دعای صباح اشاره کرده و از فصاحت و بلاغت بی نظیر آن به کلیت سخن گفته‌اند؛ اما تا جایی که ما می‌دانیم و تفحص کرده‌ایم کسی به تحلیل متن آن از منظر بینامتنیت نپرداخته است. هدف این مقاله تحلیل متنی این دعا نیست؛ بلکه تحلیل نسخه‌شناختی و سندشناسی است؛ با وجود این، به چند مورد تحلیل متن برای نشان دادن علو مضمون آن اشاره می‌کنیم و موارد بیشتر را به مقاله جداگانه‌ای محول خواهیم کرد. در بینامتنیت ما با سه مقوله متن غایب یا پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی مواجهیم. متن غایب یا پنهان ما در اینجا همان قرآن کریم است. متن حاضر متن دعای صباح است و انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر روابط بینامتنی نام دارد. (رنجبر و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳)

بازآفرینی هر متن پنهانی به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن با عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنیت یاد می‌شود. قاعده اجترار یا نفی جزئی، قاعده امتصاص یا نفی متوازی و قاعده حوار یا نفی کلی (نیکونزاد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۵۲) این قواعد سه‌گانه تعاریف مخصوص به خود دارند. در نفی جزئی یا اجترار، گوینده یا مؤلف، جزئی از متن غایب را در متن حاضر می‌آورد. (رنجبر و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳) با بررسی و تحلیل متن دعای صبح به این نکته رسیده‌ایم که گوینده دعای صبح هرکسی که باشد، جزئی از متن پنهان یعنی قرآن کریم را در متن حاضر که همان دعای صبح است، آورده است. به عبارتی، گوینده دعا گاه از کل آیه قرآن و زمانی از قسمتی از آیه و گاه از یک کلمه یا واژه بهره برده تا هدف خود را به مخاطب بهتر القا کند. از باب نمونه به چند مورد اکتفا می‌کنیم.

گوینده دعا گاهی عین عبارات قرآنی همچون «تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۲۷) در فراز ۶۴-۶۸ دعا و نیز «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَبَّاجًا» (نبأ: ۱۴) را در فراز ۷۶ دعای صبح آورده است.

گاهی بخشی از آیات قرآن را مانند «... تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْخِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در فراز ۵۹-۶۳ دعا ذکر کرده که متن کامل این آیه را می‌توان در آیه ۲۶ سوره آل عمران مشاهده کرد. گاهی نیز گوینده فقط یک واژه از متن پنهان یعنی قرآن را در متن دعای صبح آورده مانند واژگان فلق در فراز ۷۴، غسق در فراز ۷۵ و فاصفح در فراز ۳۸ دعا که می‌توان به ترتیب این واژگان را در سوره انعام (آیه ۹۶)، اسراء (آیه ۷۸)، زخرف (آیه ۸۹) و حجر (آیه ۸۵) و نیز بعضی آیات دیگر در قرآن کریم یافت. همچنین گوینده دعا توانسته است نوعی سازش میان متن غایب و متن حاضر ایجاد کند و تعاملی آگاهانه پدید آورد (رنجبر و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۱)؛ که این همان نفی متوازی یا امتصاص است. لذا گوینده با ابتکار و نوآوری به خلق جملات جدید با بهره‌گیری از آیات قرآن پرداخته است. از جمله در فراز ۷۷ دعا آورده: «وَجَعَلَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا» که این عبارت با آیه «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا» (نوح: ۱۶) مطابقت دارد. این‌ها فقط از باب

نمونه بود. فرازهای متعدد دیگری هستند که قابلیت انطباق با آیات قرآن کریم را دارند. اینکه در این دعا کدام یک از قواعد بین متنی، اجترار، امتصاص یا حوار وجود دارد یا کدام تنّاص بیشتر در این دعا غالب است، در پژوهش دیگری به آن خواهیم پرداخت.

۱۱-۵. استفاده از بعضی عنصرهای لفظی ناکاربرد در قرن نخست هجری در دعا

هرچند این دلیل از دلایل نامبرده در این متن، بیشتر به سبک‌شناسی و تحلیل متن برمی‌گردد، از باب نمونه می‌توان اشاره کرد که واژه «تَنْزَهُ» در عبارت «تَنْزَهُ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ...» در این دعا، ذهن را به آن سو می‌کشاند که آیا این واژه در قرن نخست هجری کاربرد داشته است یا خیر؛ اگر قرآن را به‌عنوان اصیل‌ترین متن قرن نخست هجری ملاک قرار دهیم، خواهیم دید که این واژه در قرن نخست هجری، در قرآن- حتی با مشتقات آن- نیامده است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، سراسر اثر)

۱۲-۵. کلی‌گویی‌های شارحان و کاتبان درباره انتساب دعا به علی علیه السلام

شارحی آورده: «صبح را که اجله اولیاء روح ارواح و مشکاة قلوب اصفیا را مصباح است و هی المنسوب الی الامام المخبر... وصی رسول الثقلین ولیّ البتول و السبطين علی نبینا...» در ادامه نیز آورده است: «به تواتر پیوسته که قلم معجز رقم آن به خرد خان کرم و مشرق قدم اختراع و ابداع این نثر لالی شاهوار و این نظم جواهر ابدار نموده است.» البته در خوانش «معجز رقم» و یا «ابدار» تردید وجود دارد (نخ: رقم ۶۱۲۸/۱، ص ۲، ستون سمت راست) و نیز باز در ادامه آورده: «کلید آن به قلم مرتضی علی و به خط مبارک آن حضرت این دعا را یافته‌اند و آن حضرت این دعا را بمفتاح الفتوح و النجاح و رموز کنوز الفلاح مسمی گردانیده...» (نخ: رقم ۶۱۲۸/۱، ص ۳، ستون سمت چپ) یا: «به صحت پیوسته که امیرالمؤمنین علیه السلام چون صبح صادق طالع می‌شد، بی تأخیر اقامه فریضه می‌نمودند و بعد از فراغ به قرائت این دعا اشتغال می‌فرمودند.» (نخ: رقم ۶۱۲۸/۱، ص ۴، ستون سمت چپ؛ رقم ۱۲۴۴۳) با دقت در عبارات کاتب، یعنی «به قلم مرتضی علی و به خط مبارک آن حضرت»، «به صحت پیوستن این دعا» یا «به تواتر رسیده» عبارات همگی، کلی است و دقیق و علمی تلقی نمی‌شوند؛ زیرا کاتب می‌بایست اولاً مشخص می‌کرد که چه کسانی این دعا را به قلم

بارک حضرت علی علیه السلام یافته‌اند، کجا یافته‌اند و چه زمان و چگونه یافته‌اند، حال آنکه نامی از فرد یا افرادی که دعا را به خط حضرت دیده باشند، برده نشده است؛ ثانیاً دلایل به صحت پیوستن این دعا را با آوردن شاهد مثالی باید مستند می‌کرد و کلی‌گویی نمی‌نمود؛ ثالثاً مواردی از تواتر را در منابعی که حداقل به رؤیت او رسیده، بیان می‌کرد. در نسخه خطی دیگری، این دعا نیز منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ اما در ادامه آورده: «نحن لم نجدہ بسند صحیح متصل الی ذلک الجناب المستطاب لکن نقل بعض اصحاب انه وجده باسانید صحیحہ و روایات صریحہ متصلہ الی جناب الیہ علیه السلام...» این عبارات نشان می‌دهد که خواجه‌ی نیز سند متصلی برای این دعا نیافته و عبارت «نقل بعض اصحاب انه وجده باسانید صحیحہ و روایات صریحہ متصلہ الی جناب الیہ علیه السلام...» (نخ: رقم ۱۹۲۲) کلی‌گویی است و مستند علمی به شمار نمی‌آید؛ زیرا مستند علمی می‌بایست دقیق و با جزئیات باشد نه اینکه نام «بعض اصحاب» نامعلوم بماند که کدام یک از امامیه سند صحیح برای این دعا یافته‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

- در سندشناسی این دعا نام چهار راوی؛ نخست، ابن الباقی قرشی الحلی، زنده به سال ۶۵۳ یا ۶۵۵ق، در *اختیار المصباح*؛ دوم، شریف یحیی بن قاسم العلوی در ۷۳۴ق؛ سوم، اجازه نقل علی بن عبدالعالی کرکی به درویش محمد اصفهانی، به سال ۹۳۹ق، یا بنا بر نقلی ضعیف‌تر ۹۳۵ق و چهارم، ابو رجال یمنی (م ۱۰۹۲ق) به چشم می‌خورد.

- عالی المضمون بودن دعا از جمله قراین انتساب دعای صباح به علی علیه السلام ذکر شده، اما با دلایل منقول نشان دادیم که علو مضمون فقط سبب استحکام و احتمال صدور است نه انتساب دعا به علی علیه السلام.

- کاربرد اصطلاح «مشهور» درباره دعای صباح، ظاهراً شهرت عملیه و از باب عمل به احادیث من بلغ و قاعده تسامح در ادله سنن بوده است.

- ثبت نشدن دعا در عصر غلبه نگارش‌ها در ادعیه، فاصله نخستین راوی با عصر علی علیه السلام ارسال سند، طریق وجاده، فترت نقل، ذکر نشدن دعا در ادعیه مقارن با اختیار المصباح، تفاوت نسخ و کاستی‌ها و اضافات هریک، مصادف شدن تاریخ نگارش دعای صباح به خط علی علیه السلام - اگر فرض درستی باشد - در زمان خلافت عثمان، رونق

کتابت و شرح نویسی دعای صباح در عصر صفویه که اوج شکل گیری تشیع و منقبت سازی اهل بیت علیهم السلام با اهداف سیاسی شاه اسماعیل بوده و نیز علو مضمون که سبب استحکام و ابزار استواری دعاست نه انتساب، استفاده از بعضی عنصرهای لفظی ناکاربرد در قرن نخست هجری در دعا و در آخر، کلی گویی های شارحان و کاتبان درباره این انتساب، دوازده دلیل تردید انتساب دعای صباح به حضرت علی علیه السلام است که نوآوری پژوهش حاضر به شمار می آید.

پی نوشتها

۱. میرمحمدی همین حدیث را با ارجاع به کتابی دیگر و با تفاوت هایی در متن با واژه «علی» آورده است. (میرمحمدی، ۱۳۶۸، ص ۱۵)
۲. «له کتاب الاختیار و کتاب المصباح ینقلون عنهما کثیرا فی کتب العبادات و الادعیة خصوصا الکفعمی و الظاهر ان الکتابین واحد لانه اختار مصباح المتهدج و وجد فی اخر بعض نسخه انه فرغ من تألیفه سنة ۶۵۳ و وصفه الکفعمی فی حاشیة البلد الامین بالسید الجلیل.»
۳. علامت تعجب در پایان این عبارت سؤال برانگیز و قابل تأمل است.
۴. روشن نیست که دقیقاً مراد از علی بن محمد مهدی چه کسی است؛ شاید مراد، درویش محمد اصفهانی باشد.
۵. همان مولی کمال الدین نظری و پدر بزرگ - پدر مادر - محمد تقی مجلسی است و برای اولین بار احادیث امامیه را در اصفهان در دولت صفویه نشر داد و به اصفهانی مشهور شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲، ص ۱۰۶؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۰۷)
۶. این نسخه در کتابخانه موزه ملی ملک تهران به رؤیت من نرسید.
۷. «الوجاهه هی ان تجد احادیث بخط یعرف کاتبه.»
8. [Http://psd.Lib.harvard.edu](http://psd.Lib.harvard.edu)
۹. در این نوشتار دو نسخه خطی با رقم ۶۰۹ ارجاع داده شده: یکی متعلق به کتابخانه آیه الله مرعشی و دیگری متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است.
۱۰. بعضی صفحات این نسخه، شماره فریم ندارد.
۱۱. کلمه خط کشیده شده، در نسخه خطی، ناخوانا بود و بنا بر حدس نگارنده نوشته شد.
۱۲. ارجاعاتی که از واژه «برگرفته» استفاده شده، لزوماً درباره دعای صباح نیست، ولی می توان آن را به دعای صباح نیز تسری داد.

منابع

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، نجف: مکتبه الغری، ۱۳۵۵.
۲. آل جمیع، حبیب، *معجم المؤلفات الشیعه*، بیروت: مؤسسة البقیع لاحیاء التراث، بی تا.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العنایات*، تحقیق و تصحیح ابوطالب کرمانی و محمدحسن محرر، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۴. ابو رجال یمنی، احمد بن صلح، *مطلع البُدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیة*، تحقیق عبدالقرب مطهر محمد حجر و کمک مجدالدین بن محمد بن منصور المویدی، یمن: مرکز اهل بیت للدراسات الاسلامیه، ۲۰۰۴م.
۵. افشار، ایرج و محمدتقی دانش پزوه، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ملک*، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، تهران: بی نا، ۱۳۵۲.
۶. امین، محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
۷. ایزدپناه، عباس، «اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن»، *علوم حدیث*، شماره ۴، ۱۳۷۶، ص ۲۹۷.
۸. بحر العلوم، عزالدین، *اضواء علی دعاء الصباح*، بیروت- لبنان: دار الزهراء، ۱۴۳۲ق.
۹. جمعی از محققان، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۰. حسین پوری، امین، *حدیث ضعیف: نگاهی به رویکرد قدمای شیعه*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی، ۱۳۹۳.
۱۱. خانی، حامد، «هویت و انتساب صحیفه سجادیه با تکیه بر شاخصه های متن»، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲.
۱۲. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶.
۱۳. خوبی، مصطفی بن محمدهادی، *شرح دعای صبح*، به کوشش اکبر ایرانی قمی، نشر میراث مکتوب، تهران: آینه میراث، ۱۳۷۶.
۱۴. دوانی، علی، *مفاخر الاسلام*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۵. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۸.
۱۶. ربیع نتاج، سید علی اکبر و زهرا اکبری، «کاوشی در دعای ام داود»، *سفینه*، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۸۲.
۱۷. رضوانی، احمد، «تسامح»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۵، ۱۳۸۷.

۱۸. رضوی، سید عباس، «تسامح در ادله سنن از دیدگاه آقا حسین خوانساری»، مجله فقه، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۶، ص ۲۰۸-۲۳۹.
۱۹. رنجبر، جواد و خاطره احمدی، «روابط بینامتنی داستان حضرت موسی با رمان طارق من السماء»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴، ص ۹-۲۶.
۲۰. ری شهری، محمد، *کیمیاء المحبة: لمحات من حياة العارف الواصل المرحوم رجبعلی خیاط*، مترجمین تعریب خلیل العصامی، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
۲۱. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۹م.
۲۲. سبزواری، ملا هادی، *شرح دعای صباح*، تحقیق نجفعلی حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۲۳. سجادی، جعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: ناشر کومش، ۱۳۷۳.
۲۴. سزگین، فؤاد، *تاریخ نگارش های عربی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری و دیگران، تهران: به کوشش خانه کتاب، ۱۳۸۰.
۲۵. سند، محمد، «جایگاه بحث مضمونی نسبت به بحث صدور»، *پژوهش های اصولی*، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۶، ص ۸۵-۱۰۴.
۲۶. شاکر، ابوالقاسم، *تاریخ تشیع در ایران*، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
۲۷. شوکانی، محمد بن علی، *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۲۸. صبحی، صالح، *علوم حدیث و اصطلاحات آن*، ترجمه و تحقیق عادل نادر علی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.
۲۹. صدر، سید حسن، *نهاية الدراية في شرح الرسالة الموسوعة بالوجيزة بالبهائية*، تحقیق ماجد الغرباوی، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۰. صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۹۷۱.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری: تاریخ الرسل و الملوک*، محقق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار سویدان، ۱۹۶۷.
۳۳. طبسی، نجم الدین، *تا ظهور*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸.
۳۴. عاملی، شیخ بهاء الدین، *مفتاح الفلاح و مصباح النجاح*، ترجمه علی بن طیفور بسطامی، مقدمه حسن زاده آملی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۶۶.

۳۵. عاملی، حسین بن عبدالصمد، *وصول الاخبار الی اصول الاخبار*، تحقیق عبداللطیف الکوه کمری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۱ق.
۳۶. عبدالباقی، محمدرضا، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره: مطبعه دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ق.
۳۷. عسکری، سید مرتضی، *معالم المدرستین*، ترجمه محمدجواد کرمی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.
۳۸. عمادی حائری، سید محمد، «متن شناسی: روش شناسی تحلیل متن»، گزارش میراث، شماره ۳۵، مهر و آبان ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۲.
۳۹. غفاری صفت، علی اکبر و محمدحسن صانعی پور، *دراسات فی علم الدرایه: تلخیص مقیاس الهدایه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *ذریعة الضراعه*، تحقیق محمد امامی کاشانی، بی جا: بی نا، بی تا.
۴۱. _____، *الوافی*، اصفهان: مکتبه الامام علی (ع) العامه، ۱۴۰۶ق.
۴۲. _____، *خلاصة الاذکار و اطمینان القلوب*، تحقیق سیدحسن نقیبه، بی جا: بی نا، ۱۰۳۳ق.
۴۳. قرشی الحلّی، مجدالدین علی بن الحسین بن باقی، *اختیار المصباح الکبیر*، تحقیق مهدی دمیری گلپایگانی، قم: مکتبه العلامه المجلسی، ۴۳۲ق.
۴۴. قضاعی، محمد بن سلامه، *دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)*، ترجمه فیروز حریرچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۴۵. قمی، شیخ عباس، *کلیات مفاتیح الجنان*، ترجمه کمره ای، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی، ۱۳۸۱.
۴۶. قنبری، محمد، *شناخت نامه کلینی و الکافی*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۷.
۴۷. کلانتری، علی اکبر، «تسامح در ادله سنن، قاعده ای ناکارآمد»، پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۹، ص ۱-۲۱.
۴۸. مجلسی، محمدرضا، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت - لبنان: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۹. محقق حلّی، جعفر بن حسن، *مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام*، شارح محمد بن علی موسوی عاملی، مشهد، مؤسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، «نقش نهج البلاغه در فقه اسلامی»، پژوهش های نهج البلاغه، شماره ۲ و ۳، زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱، ص ۲۴-۴۱.

۵۱. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، مقدمه جعفر سبحانی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳.
۵۲. مهریزی، مهدی، مکتب حدیث شیعه، به کوشش علی صدرایی خوبی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم: سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۰.
۵۳. میرمحمدی، سید ابوالفضل، «تسامح در ادله سنن بحثی در اخبار من بلغ»، مقالات و بررسیها، شماره ۴۷-۴۸، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۸۱.
۵۴. _____، «تسامح در ادله سنن (۲) بحثی در اخبار من بلغ»، مقالات و بررسیها، شماره ۴۹-۵۰، بهار ۱۳۶۹، ص ۱۸۱.
۵۵. نجفی قوچانی، محمدحسن، شرح دعای صباح، مصحح محمدرضا عطایی، تهران: نشر هفت، ۱۳۷۸.
۵۶. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، خاتمه مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
۵۷. نیکونژاد، زهرا و دیگران، «بررسی بینامتنیت عهدین در دعای سمات»، پژوهشنامه ثقلین، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۵۴۹-۵۷۶.
۵۸. نسخه خطی دعای صباح، رقم ۸۱، کاتب محمد شفیع بن محمدعلی تبریزی، تهران: کتابخانه موزه ملی ملک، ۱۲۵۵ و ۱۲۶۸ق.
۵۹. نسخه خطی دعای صباح، رقم ۶۱۲۸/۱، کاتب محمدقاسم میرکی، تهران: کتابخانه موزه ملی ملک، ۱۲۴۳ یا ۱۲۴۶ق.
۶۰. نسخه خطی دعای صباح، رقم ۶۷، کاتب احمد نیریزی، تهران: کتابخانه موزه ملی ملک، ۱۱۲۸ق.
۶۱. نسخه خطی، رقم ۵۸، تهران: کتابخانه موزه ملی ملک، ۱۲۵۵.
۶۲. نسخه خطی، رقم ۱۲۵۰۶۸۹، تهران: کتابخانه اسناد و مدارک ملی کشور.
۶۳. نسخه خطی، رقم ۱-۲۷۱۸۶، تهران: کتابخانه اسناد و مدارک ملی کشور.
۶۴. نسخه خطی، رقم ۵-۳۰۰۲۲، تهران: کتابخانه اسناد و مدارک ملی کشور.
۶۵. نسخه خطی، رقم ۵-۲۱۹۵۸۰، تهران: کتابخانه اسناد و مدارک ملی کشور.
۶۶. نسخه خطی، رقم ۶-۲۷۱۸۶، کاتب میرزامصطفی منشی‌باشی، تهران: کتابخانه اسناد و مدارک ملی کشور.
۶۷. نسخه خطی شرح البدایة فی علم الدراییه، رقم ۴۸۱۴۷، زین‌الدین بن علی شهید ثانی، به کتابت محمدباقر بن محمد، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۲۷۳ق.
۶۸. نسخه خطی، رقم ۶۰۹، کاتب ملا محمدجعفر، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۲۷۹ق.

۱۶۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۶۹. نسخه خطی، رقم ۲۰۶۴، شرح زین العابدین محلاتی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۰۵ق.

۷۰. نسخه خطی، رقم ۱۹۲۲، شرح اسماعیل خواجه‌جویی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۱۱ق.

۷۱. نسخه خطی، رقم ۱۲۴۴۳، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۷۲. نسخه خطی، رقم ۳۱۴۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

۷۳. نسخه خطی دعای صباح، به کتابت میرزا قزوینی گیلانی، مشهد، کتابخانه دانشگاه فردوسی، [بی تا].

۷۴. نسخه خطی، با عنوان مجموعه، رقم ۱۰۹۸۰، به کتابت میرزا علی بن خاکمردانی خویی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۷۵. نسخه خطی، با عنوان مجموعه، به شماره مسلسل ۱۲۴۱۸، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۷۶. نسخه خطی، رقم ۶۰۹، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۷۷. نسخه خطی دعای صباح، رقم ۷۰، کاتب ام سلمه قاجار، انگلستان: کتابخانه دیجیتال دانشگاه هاروارد، ۱۲۴۳ق.

۷۸. وفادار مرادی، محمد، «شرح دعای صباح حضرت امیرالمؤمنین»، گلستان قرآن، شماره ۴۳، ۱۳۷۹، ص ۲۹-۳۳.

۷۹. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

۸۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «بحثی پیرامون اخبار من بلغ»، پژوهش‌های اصولی، شماره ۴ و ۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۳-۶.

۸۱. همدانی، مصطفی، «روش اعتبارسنجی صدور روایات عرفانی و اخلاقی، مطالعه موردی و تحلیل

گفتمان روش کتاب سر الاسراء»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۳، ص ۲۷-۴۶.

82. [Http://psd.Lib.harvard.edu](http://psd.Lib.harvard.edu)

* از آنجا که بسیاری از نسخ خطی یا نام کاتب، شارح یا تاریخ کتابت نداشت؛ به منظور یکدستی بیشتر بنا بر حرف «ن» نسخه خطی و به ترتیب کتابخانه‌ها در فهرست منابع ثبت شده‌اند.